۱۰

## اخلاق از «دیگری» آغاز می‌شود

زندگی اخلاقی چیست؟ ابتدا باید اخلاق را تعریف کرد تا با توجه به آن، شاخصه‌هایی برای یک زندگی واجد این شاخصه‌ها برشمرد...

۱۱

## اخلاق شالوده است

از زمانی که فیلسوفان پیوند میان اخلاق و زندگی را مطرح کردند، دو مفهوم اساسی شکل گرفت. یکی این که چگونه می‌شود زندگی انسانی را براخلاق استوار کرد و دوم این که چه چیزی اخلاقی تلقی می‌شود...

در صفحه ۱۲ بخوانید...
■ تفریحات شب | شهرام اقبال‌زاده
■ سیبدی و سیاهی | اسماعیل آذر
■ بن‌بست شادان | فروغ عزیزی
■ انگار در حال پرواز است | مایکل کاینگهام

بحث‌هایی درباره اخلاق در جامعه ایرانی

# زندگی اخلاقی به مثابه یک گسل

نوشتاری از رجبعلی اعتمادی

## دوست دارند مردم کتاب نخوانند؟

برخی از ما از ادبیات انتظار درس دادن داریم؟! این کتاب است که به انسان درس می‌دهد. در داستان نویسی هدف، مطرح کردن یک ایده برای ساختن جهان آینده نیست. ما صرفا می‌توانیم جهان آینده را توصیف کنیم

صفحه ۱۲

# بمب‌های ضداخلاقی که در جامعه منفجر می‌شود

یحیی یثربی
استاد فلسفه و اخلاق اسلامی

معنا و مفهوم اخلاق برای همه ما روشن است؛ معیار اصلی اخلاق هم با عقل و اندیشه و هم با فطرت و وجدان قابل تشخیص است. شریعت هم آن را به صورت درس‌های اخلاقی و فضایل در اختیار ما گذاشته است؛ پس ما می‌دانیم کار اخلاقی و کار غیراخلاقی چیست. البته در جوامع سکولار و الحادی ممکن است مردم بنیان‌های دینی و ارزشی سنتی را به‌عنوان مصادیق اخلاقی نپذیرند و در موضوعات دیگر دنبال اخلاق باشند. اما در کل همه ما می‌دانیم راستی خوب است و کجی بد است، صداقت و درستی خوب است و دزدی بد است. اما روزگار جدید با دوران قدیم فرق‌های زیادی کرده است. در جامعه سنتی قدیم تقریبا همه زندگی‌ها جا افتاده و تعریف شده بود، هیچ کارگری هوس نمی‌کرد ارباب شود و هیچ اربابی نگران نبود که مبادا به کارگری بیفتد. شاه، شاه بود و وزیر هم وزیر؛ طبقات جامعه برای همه جا افتاده بود و هر کسی جایگاهی را که در آن قرار داشت، پذیرفته بود. در آن روزگار روح و ذهن مردم هم زیاد آشفته نبود، پایبندی توده مردم به دین و ایمان هم بیشتر بود بنابراین مسائل اخلاقی را به مردم می‌گفتند و مردم هم می‌پذیرفتند و به آنها عمل می‌کردند؛ مسائل اخلاقی را ریش سفیدان و واعظان به مردم می‌گفتند. مردم هم اگر نگوییم همه، اکثرا به آن عمل می‌کردند و سرکشی و تمرد کمتر دیده می‌شد. اما دیگر آن دوران سرآمده؛ به جای چراغ نفتی، برق آمده است و به جای اسب و قاطر، مردم خودرو سوار می‌شوند؛ و به جای طب سنتی و ناکارآمد قدیم، پزشکی پیشرفته امروز جایگزین شده است؛ در عین حال دنیای جدید دستاوردهای زیادی هم برای ما آورده که از آن غافل هستیم؛ در مسائل اخلاقی هم دنیای امروز به‌گونه‌ای است که می‌بینیم اگر به گفتن آیه و حدیث بسنده کنیم کلاه بر سرمان می‌رود. دیگر صرف موعظه کردن مردم جواب نمی‌دهد و باید سازماندهی اخلاقی داشته باشیم جامعه را با هدف احیای اخلاقیات پیش ببریم؛ امام حسین(ع) یارانی داشت که تعدادی از آنها شب عاشورا میدان را خالی کردند و رفتند؛ تعدادی هم در شرایطی که در سپاه یزید بودند به امام حسین(ع) پیوستند و شهید شدند.

ما باید به سازو کارهای مسائل اخلاقی فکر کنیم، باید روش‌ها را تغییر دهیم. باید مطبوعات آزاد داشته باشیم؛ این مسائل باید از ریشه کارشناسی و تحلیل شوند، در این حوزه هم کارشناسان خبره و زبرک کم نداریم که بررسی کنند و پی ببرند چه کارهایی باید انجام می‌شد و نشد. ما باید به سمت تجزیه و تحلیل ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه پیش برویم؛ هر شخصی در کار و وظیفه‌اش درست عمل می‌کند یا نه؟ در تاریخ اسلام هم داریم؛ امام حسین(ع) یارانی داشت که تعدادی از آنها شب عاشورا میدان را خالی کردند و رفتند؛ تعدادی هم در شرایطی که در سپاه یزید بودند به امام حسین(ع) پیوستند و شهید شدند.

در حالی که این رویکرد بسیار موثر است. در کشورهای غربی مشکلات را ریشه‌یابی و بررسی می‌کنند که هر معضلی تحت‌تأثیر چه شرایطی ایجاد شده است؛ اعتیاد تحت‌تأثیر بیکاری و چندین دلیل دیگر پدید می‌آید. جوانی که کار و موقعیت اجتماعی داشته باشد و بتواند تشکیل زندگی دهد، سراغ مواد مخدر نمی‌رود. رویکرد ریشه‌یابی و بررسی عمقی مسائل در بسیاری از کشورهای اسلامی هم به‌کار می‌رود؛ مثلا شنیده‌ام در ترکیه دیگر موادمخدر قاچاق محسوب نمی‌شود؛ به بیان دیگر حتی اگر موادمخدر آزادانه در دسترس همه باشد، شرایطی ایجاد کرده‌اند که خود جوان سراغ آن نمی‌رود.

۳۰ سال است که قاچاقچی و معتاد داریم. شلاق و کمیته و زندان و اعدام هم در مقابل این معضل‌ها داشته‌ایم؛ اما نتیجه چه شده است؛ سن اعتیاد و فحشا روز به روز پایین آمده است. بنابراین مشکل اصلی در نگرش ما نسبت به مسائل اخلاقی و مسائل غیراخلاقی است؛ تلقی ما از اندیشیدن به زیربناها و علت‌جویی ریشه‌ای در معضلات اخلاقی، نوعی دستاورد غربی است که تا امروز در نظام سنتی ما نبوده، همه ما منعیات اخلاقی را می‌دانیم؟ در گذشته به‌خاطر این‌که زندگی‌ها ساده‌تر بود و همه چیز برای مردم جا افتاده بود عوامل وسوسه هم کم بود و مردم با همان موعظه‌های دینی بر مدار اخلاقیات حرکت می‌کردند. اما امروز بمب‌های ضداخلاقی در جامعه داریم؛ برخی می‌گویند، ماهواره و فیس‌بوک بمب ضداخلاقی‌اند؛ درحالی که آن گروه از مدیران که برخی امور اجرایی را در دست دارند و کارهای ضداخلاقی می‌کنند، بمب‌های ضداخلاق را در جامعه منفجر می‌کنند؛ همه فقط همدیگر را متهم می‌کنند، ظاهرا مدعی مبارزه با فساد هستند ولی در اصل با هم درگیرند و اراده جدی در این راه دیده نمی‌شود. وقتی یک نفر میلیاردها تومان به جیب می‌زند به اخلاقیات خیانت کرده است؛ پس دیگر دختر بچه ۱۹ ساله خود را ملزم به رعایت خیلی چیزها نمی‌بینند.

برای بهبود اخلاق در درجه اول باید روی تحول ساز و کارها و زیربناها به‌طور جدی فکر کنیم. عوامل زیربنایی فساد باید شناخته شود و با ریشه‌ها مبارزه کنند نه معلول‌ها. در درجه دوم باید توجه داشته باشیم که مردم ما هنوز سنتی فکر می‌کنند و سنتی تصمیم می‌گیرند و چشمشان به رفتار مسئولان دوخته شده است. مسئولان باید سعی کنند اخلاق را به مردم نشان دهند؛ نه این‌که در هر پست و مقامی به فکر رسیدن به یک پله بالاتر باشند؛ این و آن را نبینند که به وزارت و وکالت برسند، اگر هم رسیدند روی فرش قرمز قدم نزنند، بلکه به فکر مشکلات مردم باشند. متاسفانه ما در برخی مسائل بی‌خیال هستیم؛ نظام‌مندی و زیربناسازی برای اخلاق نداریم. از طرف دیگر در جامعه‌ای که چشم مردم به مسئولان است؛ وقتی می‌بینند فلانی وقتی وزیر شده زندگی‌اش از کجا به کجا رسیده، دیگر خودشان را ملزم به رعایت اخلاقیات نمی‌دانند. به عبارت بهتر در این شرایط، کمر اخلاق شکسته می‌شود. امیدوارم اندکی به خون‌هایی که برای پایداری این کشور و نظام ریخته شده توجه داشته باشیم و روزی را ببینیم که مسئولان از بیت‌المال بهره نبرند؛ علی(ع) با قاطعیت فرمود خداوند بر مسئولان واجب کرده که زندگی‌شان را در سطح محروم‌ترین طبقه جامعه نگه دارند؛ البته اگر گوش شنوا باشد و این سخنان ارزشمند را بشنود؛ نه این‌که در خانه‌های چند میلیاردی‌شان روضه امام حسین(ع) بگیرند.

> دنیای جدید دستاوردهای زیادی هم برای ما آورده که از آن غافل هستیم؛ در مسائل اخلاقی هم دنیای امروز به‌گونه‌ای است که می‌بینیم اگر به گفتن آیه و حدیث بسنده کنیم کلاه بر سرمان می‌رود. دیگر صرف موعظه کردن مردم جواب نمی‌دهد و باید سازماندهی اخلاقی داشته باشیم جامعه را با هدف احیای اخلاقیات پیش ببریم
>
> در کشورهای غربی مشکلات را ریشه‌یابی و بررسی می‌کنند که هر معضلی تحت‌تأثیر چه شرایطی ایجاد شده است؛ اعتیاد تحت‌تأثیر بیکاری و چندین دلیل دیگر پدید می‌آید. جوانی که کار و موقعیت اجتماعی داشته باشد و بتواند تشکیل زندگی دهد، سراغ مواد مخدر نمی‌رود

یادداشت ۱

## نسبت اخلاق و تاریخ

هوشنگ ماهرویان
نویسنده و پژوهشگر

مقوله اخلاق و زیست‌اخلاقی، بیش از هر چیز مقوله‌ای انسانی است و سایر موجودات دیگر به آن شکلی که ما از آن استفاده می‌بریم و در زیست اجتماعی‌مان به آن نیازمندیم، از آن بهره نبرده‌اند. به این ترتیب آنچه در حیوانات وجود دارد، همواره غریزه است. این امر اما در انسان‌ها متفاوت است و انسان‌ها همواره از قوه و قدرت اکتساب برخوردارند و از این‌رو امکان کسب اخلاقیات خوب و مفید برای آنها ممکن است. در این میان اندیشمندی چون میشل فوکو نیز به این امر پرداخته و از اصطلاحاتی چون اگو و سوپراگو نام می‌برد. به باور فروید وظیفه «خود» (من، اگو) کنترل و نظارت بر غرایز و ایجاد همسازی بین «نهاد» و «واقعیت» است. واقعیتی که در بحث‌های روانکاوانه فروید صرفا به‌معنای جهان روزمره و قوانین عرفی و عقلانی جامعه است؛ جهانی که نسبت به «نهاد» خارجی است و از طریق سطح خارجی دستگاه ذهن به‌طور مستقیم با قلمرو روزمره و جریانات آن سروکار دارد. از سوی دیگر، سوپراگو همان آداب و رسوم مرسوم اجتماعی است که با عنوان تربیت و اخلاق در جامعه نهادینه شده و براساس هر جامعه و هر زمان، این آداب که بعضا اخلاقیات را نیز تضمین می‌کند، می‌تواند منشأ شکل‌دهی به اخلاقیات اصیل و درست در جامعه باشد و درحقیقت آن را شکل دهد. از سوی دیگر اخلاقیات ارتباط نزدیکی با دوره‌های مختلف زمانی دارد و برخی از اخلاقیات با توجه به گذر زمان شکل می‌گیرند یا تغییر می‌کنند. در دوره‌ای مردم، زندگی قبیله‌ای داشتند، در آن دوره حتی شیوه ازدواج و اخلاق زندگی زناشویی نیز با دوره‌های بعد از خود متفاوت بود و در همان زمان دزدی، چنان قبحی که امروزه دارد، نداشت. چراکه در سابقه معیشتی مردم آن دوران این موارد تا حدی معمول بود و آنها برای کسب معیشت خود ممکن بود به این کارها نیز روی آورند و درحقیقت این موارد تعنشین شده در آداب و رسوم جامعه بود. بعدها اما با تغییر جوامع، حتی اخلاقیات نیز دارای تغییرات بسیاری و سعی شد تا برخی از اصول اخلاقی درقالب اعلامیه‌ها و متون مدون تنظیم شده و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با این وجود اما برخی از اصول اخلاقی، همواره جزو اصول اصلی و غیرقابل حذف بوده‌اند و امکان نادیده انگاشتن آنها نیز ممکن نبوده است. از سوی دیگر آنچه می‌تواند اخلاق و زیست‌اخلاقی را در جامعه ممکن سازد، تلاش روشنفکران و افرادی است که می‌توانند این نوع از زیستن را ممکن سازند و آن را برای جامعه، عملیاتی کنند و این موارد نیز همان‌طور که به آن اشاره شد در دوره‌ها و مقاطع مختلف تاریخی تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر داشته است. از این‌رو زندگی اخلاقی و اخلاق، زمانی می‌تواند معنا یابد که بداخلاقی‌ها به ضدارزش بدل شود و این ضدارزش‌ها نیز بتوانند خود را در جامعه به‌عنوان امری ناشایست نشان دهد.

> آنچه می‌تواند اخلاق و زیست‌اخلاقی را در جامعه ممکن سازد، تلاش روشنفکران و افرادی است که می‌توانند این نوع از زیستن را ممکن سازند و آن را برای جامعه، عملیاتی کنند و این موارد نیز در دوره‌ها و مقاطع مختلف تاریخی تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر داشته است. از این‌رو زندگی اخلاقی و اخلاق، زمانی می‌تواند معنا یابد که بداخلاقی‌ها به ضدارزش بدل شود و این ضدارزش‌ها نیز بتوانند خود را در جامعه به‌عنوان امری ناشایست نشان دهد